

به مناسبت تجلیل از « روز شهدای جنبش ملی و انقلابی افغانستان » که امسال مصادف است با چهلمین سالروز شهادت مجید کلکانی قهرمان ملی و رهبر فرزانه و محبوب سازمان آزادیبخش مردم افغانستان « ساما » و جبهه متحد ملی افغانستان

چرا از این روز تجلیل میکنیم ؟

پیشینه تاریخی :

۱۸ جوزا مصادف است به سالروز جاودانگی شهید عبدالمجید کلکانی، بانی تفکر خط مشی مستقل ملی و انقلابی در کشور ما ، رهبر سازمان آزادیبخش مردم افغانستان « ساما » و جبهه متحد ملی افغانستان.

علاوه بر آن در ماه های جوزا همه ساله عده زیادی از اعضای رهبری، کادر ها و صفوف سازمان آزادیبخش در زندان های مخوف و وحشتناک رژیم دست نشانده کودتای ثور به شهادت رسیدند و عده ای از آنها هم قربانی دسیسه هاوتوطنه های نیروهای ارتجاعی وابسته به غرب که تحمل یک حرکت آگاهانه ورهنگشای ملی در جنگ ضد روسی را نداشتند، شده اند.

روی همین ملحوظ در چهارمین سالروز شهادت، شهید کلکانی ، شهید عبدالقیوم رهبر که بعد از شهادت وی به درخواست رهبری و اعضای سازمان آزادیبخش، برای جمع و جور کردن و بازسازی سازمان ، بعد از حملات دوجانبه دولت مزدور و ارتجاع هار و پیشرفت و انسجام کار های جبهه متحد ملی در صف اول مقاومت و مبارزه آزادیبخش قرار گرفته بودومسئولیت رهبری ساما را در شرایط نهایت پیچیده و بحرانی جنبش بدوش داشت ، این روز را به عنوان روز شهدای سازمان آزادیبخش مردم افغانستان نامگذاری و اعلام کرد که در این روز ما از مجموع شهدای سازمان ، شهدای جنبش انقلابی و شهدای راه آزادی وطن تجلیل میکنیم و هر سال در این روز با تحلیل و بررسی تجارب شکست و پیروزی ها از یاد و خاطرات شهدای راه آزادی ملی ودموکراسی گرامیداشت به عمل آورده و با آنها تجدید میثاق میکنیم .

چنانچه اسناد و مدارک کتبی از این بزرگداشت و تحلیل و بررسی اوضاع وجود دارد.

هواداران جنبش انقلابی مردم افغانستان(هجاما)از چند دهه بدینسو در خارج از کشور همه ساله این روز را با شرکت خانواده های شهدا و سایر نیروهای انقلابی ، دموکرات و وطنپرست با برگزاری محافلی تجلیل کرده است .

(مناسفانه امسال به علت پاندمی کرونا، هجا ما نتوانست مهماندار هموطنان عزیز به این مناسبت باشد)

هجاما در سال های گذشته با شعر، موزیک، مقالات و یادبود از شهدا ، برگزاری سمینار ها وجمعبندی و بررسی اوضاع داخل کشور، زمینه تبادل نظر وبحث روی اوضاع کشور را فراهم ساخت تا تحول وسمت و سوی اوضاع را در چارچوب دیدگاه های پیشکسوتان جنبش به تحلیل بگیرد واین دیدگاه هارا در پروسه تجربه عملی اوضاع جاری به محک بگذارد.

این بحث ها و جمعبندی های تجارب گذشته در روز های تجلیل از شهدای جنبش ، زمینه های نزدیکی، تفاهم و آموزش متقابل، شرکت کنندگان و برگزارکنندگان را بوجود می آورد . از آنجاییکه شیوه مسلط برخورد به قضایا با فرهنگ احترام متقابل و خواست میرم وحدت طلبانه صورت می گرفت، فضای این تحلیل ها نهایت صمیمانه بود.

هجا ما افتخار دارد که سالهای متمادی تریبون عدالت خواهی برای مجموع شهدای راه آزادی و قربانیان ظلم و بی عدالتی بوده است ودرپهلوی تجلیل از شهدای جنبش به حوادث و وقایع روزمره در داخل کشور نیز پرداخته است و افتخار این راهم دارد که از این استیژ هیچگاه به تخریب نیروهای ملی ووطنپرست سوء استفاده نشده است و آحاد و بخش های مختلف جنبش از این تریبون بحث و اظهار نظر کرده اند .

هجا ما با برگزاری از این روز در جریان سالهای گذشته، با تهیه یادنامه های شهدا و جمع آوری اسناد و مدارک زمان و محل وچگونگی شهادت شان عملاً به تدوین و نگارش تاریخ مقاومت ملی و آگاهانه مردم افغانستان و افشای جنایت های جنایتکاران جنگی اعم از وطن فروشان خلقی وپرچمی و نیروهای ارتجاعی وابسته به کشور های غربی پرداخته است .

در کشور ما از سالها بدینسو مذبحخانه برای مسخ تاریخ، وارونه جلوه دادن حقایق، کتمان حقایق، دروغ پراکنی، نادیده گرفتن عمدی ویا بی اهمیت جلوه دادن دستاورد های مردم تلاش صورت میگیرد. این تلاش ها از یکسو از جانب استعمارگرانی که قصد وخیال تسلط کشور مارا در سر داشتند ویا هنوز در سر میپورراندند واز سوی دیگر از جانب عناصر بومی در داخل کشور که وابسته به بیگانگان استند و همواره منافع حقیر شخصی، قومی و منطقوی خود را بالاتر از منافع کشور و مردم میدانند، صورت میگیرد .

در نتیجه این زدوبند ها جنایتکاران جنگی بجای محاکمه و جوابگویی به مردم، بخشیده میشوند، اعاده حیثیت، شریک قدرت و در دم و دستگاه دست نشانده حتی به عنوان قهرمان از آنها تجلیل صورت میگیرد، گویی مجموع مردم افغانستان حافظه تاریخی شان را از دست داده اند .

همین بخشیدن ها و بازخواست نکردن از جنایتکاران، اعتیاد به جنایت را به پدیده حاکم و روزمرگی مبدل کرده است، تاحدی که هیچ مرز و معیاری و هیچ تابویی برای جنایتکاران جنگی در کشور ما وجود ندارد و با گذشت هر سال جنایت به مدارج بالاتری ارتقاء کرده و مردم در نهایت بدبختی و بیچاره گی به کفن کش قدیم خدایبامرزی میگویند.

در متن چنین شرایطی جمع آوری و تدوین تاریخ مقاومت و جانبازی نیروهای ملی و انقلابی و آگاه کشور که از آغاز کودتای ۷ ثور ، تجاوز روس به کشور را پیشبینی میکردند وخط دقیق و روشن فکری داشتند، راه رسیدن به آزادی ملی را در اتکاء به خود و مردم میدانستند و از همان آغاز تاکید شان روی عدم وابستگی به بیگانگان بود و از عواقب دردناک و فاجعه انگیز وابستگی هشدار میدادند، اهمیت بسزایی دارد .

هدف عمده و اساسی از تجلیل این روز هم، تجدید میثاق با جانباختگان راه آزادی ملی، دموکراسی و عدالت اجتماعی و تاکید روی

درستی راه و مرام شان است. چنانچه ۴۰ سال جنگ دوامدار و صلح غیر عادلانه اهمیت و نقش این تفکر را در پروسه جنگ، در تلاشهای صلح تحمیلی غیر عادلانه و ضرورت دموکراسی واقعی و شکست دموکراسی وارداتی غربی را ثابت میسازد. از آن جاییکه جان مایه فکری جنبش ملی و انقلابی و در پیشاپیش آن بنیانگذار این حرکت شهید مجید کلکانی خط مشی مستقل ملی و انقلابی، اتکا بخود و مردم است، از آغاز کودتای ثور و به ادامه آن تجاوز روس خط کشی دقیق میان مردم و دشمنان مردم صورت گرفته است.

«خلق قهرمان افغانستان بیشتر از یکسال بدینسو به پله طوفانی نبرد خونین و سرنوشت ساز آزادی پناهده است. در این نبرد سهمگین جهانواران امپریالیست- که یکی در تلاش استیلا، با اتکاء بر سرمایه دلال دولتی میکوشد کشور ما را به مستعمره مقهور و پرشگاه توسعه جویبهای بعدی خود مبدل سازد و دیگری از سنگر رقابت، بادمسازای با نیروهای رجعت گرمی خواهد جنبش آزادیبخش خلق ما را به بیراهه تاریک عقب ماندگی و اسارت مخفی رهنمون شود - در یک صف و خلق قهرمانی که با عشق شکوهمند به میهن و با دل بستگی غرور انگیز به نوامیس ملی در راه آزادی، رفاه و کرامت انسانی خود میرزند در صف دیگر قرار دارد.» نقل قول از اولین اعلامیه سازمان آزادیبخش مردم افغانستان.

حرکت متکی بخود و مردم چنانچه یکی دیگر از پیشکسوتان جنبش (شهید رهبر) در نوشته تیوری و عمل انقلاب منتشر شده درندای آزادی دور دوم، آنرا به بحث و معرفی بیشتر میگیرد، حرکت از مرکز به محیط است که در ذات و شیوه عمل خود از حرکت های وابسته به پاکستان و ایران و آمریکا و غرب کاملاً متفاوت است، چون این حرکت مدافع آزادی ملی است، حرکت از داخل کشور بوجود آمده است، نه از پول و نه از سلاح بیگانگان استفاده میکند و نه هم از آنها فرمان میبرد.

باکمال تأسف که این حرکت ملی و مردمی آماج حملات کین توزانه خلق - پرچم و روس های متجاوز از یکسو و احزاب وابسته ارتجاعی از سوی دیگر قرار گرفت، عده زیادی از رهبران، کادر ها، اعضا و هواداران و خانواده هایشان قربانی شدند.

جای خالی این شهدا و در عدم موجودیت و حضور و سهم فعال شان در جنگ آزادیبخش، متأسفانه نیروهای ارتجاعی با وابستگی مفرط و مزمن خون بهایی آزادی مردم را در بهای بقدرت رسیدن خود به معامله گذاشتند و در رقابت با همدیگر باز هم مردم را قربانی جنایات شان ساختند.

زخم ناسور و وابستگی از آغاز مقاومت ضد روسی تاکنون جنگ را بر کرده مردم تحمیل می کند. و وابستگی خلق و پرچم به روسها و وابستگی احزاب ارتجاعی به پاکستان، ایران، چین، آمریکا. و وابستگی طالبان به پاکستان و آمریکا.

از کنفرانس پترزبورگ بن تا صلح ننگین دوحه مرحله دیگری از تجاوز آمریکا و ناتو به کشور ما است که زیر نام مبارزه علیه تروریسم طالبان آغاز و به صلح با طالبان انجامید. باز هم وابستگی رژیم های دست نشانده کرزی - غنی و همدستان و شرکای جرم شان که همانا جنایتکاران جنگی اعاده حیثیت شده و بخشیده شده است، مردم را گوشت دم توپ جنگ خانمانسوز و هستی برانداز ساخت.

زیر سایه این وابستگی رژیم منفور کابل، با همه کرنش در برابر ارباب امریکایی و مدارا با رقبای طالبی حتی رها ساختن زندانیان طالب از زندان های رژیم به عنوان پیش شرط، بدون کوچکترین احترام به حقوق قربانیان و خانواده های شهدا تا هنوز حتی حق شرکت در مذاکرات «صلح» بدست نیاورده است!!

صلح ننگین دوحه در حقیقت قرار داد همکاری است میان طالبان و دولت آمریکا و به ادعای شرکت بلک و اتر امریکاییان قرار دادشان با بلک و اتر بدلیل زیاد بودن هزینه، آن را فسخ کردند و همان قرارداد را با طالبان بستند.

نتیجه عملی این صلح هم آتش بس در مقابل نیروهای امریکایی است نه با مردم افغانستان و نه با اردوی دولت پوشالی.

زهی بدبختی که این اجیران خدمتگذار به آمریکا دوباره روی صحنه سیاست آورده میشود. و در سناریوی جدید نقش دیگر به عهده می گیرند.

برای آمریکا منافع اش مهم است، این قرارداد ها، تعویض نوکر و نوکران را به رقابت همدیگر تحریک کردن، جزء تاکتیک هایش در میسر منافع اش است. اما پایمال کردن خون هزاران قربانی در سالهای تجاوز امریکا- ناتو و وحشت بینظیر طالبان که از دوطرف از جان مردم ما قربانی گرفت و کشور ما را ویرانتر ساخت نتیجه وابستگی به بیگانگان است.

آنچه واضح است دوام جنگ، قرارداد های ننگین و ظنفر و شانه و صلح غیر عادلانه، همه و همه در ذات خود شکست سیاست و وابستگی و عدم اتکا بخود است. شکست همخوانی و همطبقی استعمار و ارتجاع است. با درد و تأسف که مردم ماقربانی این شکست ها را میپردازند.

از آنجاییکه رهنوشه یک مبارزه طولانی، داشتن یک خط فکری روشن و مردمگرایانه است، این شکست ها و تجارب دردناک ناشی از آن ما را دوباره به رجوع به اصل و تاکید و تجدید میثاق با پیشکسوتان جنبش ملی و انقلابی کشور فرامیخواند و نقش آگاهی و شناخت تاریخ گذشته را برجسته و مهم میسازد.

راه نجات مردم با مردم است با شناخت و آگاهی از تاریخ و گذشته تاریخی خود، و درک قانونمندی تکامل جوامع بشری است، درک توانمندی های انسانی - مادی و منابع ارزشمند طبیعی کشور ماست.

مردم ما اکنون اهمیت وحدت و باهمی را بیشتر از هر زمانی درک میکنند و زمان آن رسیده است که همه نیرو های ملی - مترقی و وطنپرست، ضد بیگانه، ضد وابستگی برای دادخواهی و عدالت برای قربانیان، برای رسیدن به صلح عادلانه برای رسیدن به آزادی ملی و دموکراسی واقعی، زمینه های بیشتر نزدیکی و وحدت را جستجو و پیگیری کنند.

آرمان شهدا، فرازمانی و شکست ناپذیر است. برای تحقق آن کوشا باشیم.

کمیسیون برگزاری روز شهدا - هواداران جنبش انقلابی مردم افغانستان (هجاما)

(هژدهم جوزای سال ۱۳۹۹ / ۷ جون ۲۰۲۰)